



اجرت المثل و نخله زن چه جایگاهی در حقوق ایران دارد؟

از آنجایی که برای هرکاری اصولاً اجرت تعیین می‌شود، به کارهایی که زن در منزل شوهر انجام می‌دهد و جزر و وظایف شرعی‌اش نیست هم اجرت تعلق می‌گیرد. در اسلام زن در تمام احکام عبادی و حقوق اجتماعی شریک مرد است.

از آنجایی که برای هرکاری اصولاً اجرت تعیین می‌شود، به کارهایی که زن در منزل شوهر انجام می‌دهد و جزر و وظایف شرعی‌اش نیست هم اجرت تعلق می‌گیرد. در اسلام زن در تمام احکام عبادی و حقوق اجتماعی شریک مرد است.

اجرت المثل در لغت به کسر میم یعنی اجاره بها. اگر کسی از مال دیگری منتفع شود و این مال باقی باشد و برای مدتی که منتفع شده بین طرفین مال الاجاره ای معین نشده باشد، آنچه بابت اجرت منافع استیفا شده باید به صاحب مال مزبور بدهد، اجرت المثل نامیده می‌شود.

به گزارش «تابناک»؛ برای اولین بار در قانون مدنی ایران در ماده ۳۳۶ استیفا ناروا از عمل غیر و مطالبه اجرت المثل عمل بیان شده است. در سال ۱۳۷۱ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق با تبصره های آن به منظور حفظ حقوق زن به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید این قانون در تبصره ۶ خود شرایطی را برای مطالبه اجرت المثل عمل زنان قرار داد که عملاً مشکلاتی را به وجود آورد.

این شرایط عبارتند از؛

- ۱- طلاق به درخواست زوج باشد.
- ۲- طلاق به دلیل سوءرفتار زوجه و تخلف از وظایف همسری نباشد.
- ۳- صدر تبصره ۶ ماده واحده، زمان مطالبه اجرت المثل و نخله را پس از وقوع طلاق برشمرده است.

منظور از وظایف همسری زن، وظایف شرعی و قانونی وی است که شامل تمکین خاص و تمکین عام می‌شود. تمکین عام به معنی حضور زن در زندگی مشترک و عمل به وظایفی است که شرع و قانون تعیین کرده است؛ مثلاً زن شرعاً نمی‌تواند بدون اجازه همسرش از خانه خارج شود. تمکین خاص به معنی عمل کردن زن به وظایف زناشویی است، بنابراین اگر زن در طول زندگی مشترک در خانه همسر خود کاری جز این موارد را انجام دهد، مستحق پاداشی است که به آن اجرت المثل گفته می‌شود؛ از جمله قواعد فقهی مبنای اجرت المثل، قاعده ی لاضرر است. قاعده ی فقهی دیگر، قاعده احترام مال مردم است. به حکم عقل، این قاعده از احکام امضایی است، زیرا عقل این را قبول کرده که به مال و مالکیت هر کسی باید احترام گذاشته شود.

به نوشته «حامی عدالت» نخله به معنی هبه (هرچه از روی تبرع دهند) عطایای به فرزند را گویند. نخله مترادف با عطیه به معنای بخشش و اعطای مجانی و رایگان است. قرآن کریم، نخله را در کنار صدقات به کار برده و از آن به پرداخت مهر زنان با طیب خاطر و رضایت تعبیر نموده است. نخله مرادف با هبه می‌باشد، بعضی از فقها با استفاده از اخباری چند، آن را تملیک عقار به اولاد یا ارحام از نظر محبت و علاقه دانسته اند تا آنان بتوانند معاش خود را از آن عقار تامین نمایند. برای اولین بار عنوان حقوقی نخله در بند ب تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق سال ۱۳۷۱ پیش بینی شد. از آنجایی که ماده واحده مربوط به طلاق مصوب سال ۱۳۷۱ توسط قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ منسوخ شد، بند ب تبصره ۶ آن، به قوت خود باقی است و از آن مستثنی شده است. در مواردی که زن مستحق اجرت المثل نیست، با وجود این شرایط، مبلغی به عنوان نخله به زن تعلق می‌گیرد که این شرایط عبارتند از؛

- ۱- مرد باید در خواست طلاق داده باشد.
- ۲- طلاق به دلیل بدرفتاری و تخلف زن از وظایف خویش نباشد.

علاوه بر این، شرایط بین زن و مرد شروط مالی در ضمن عقد نکاح یا بعد از آن نباشد. با وجود این شرایط و در صورتی که به زن اجرت المثل تعلق نگیرد، زن مستحق نخله می‌شود. صدر تبصره ۶ ماده واحده، زمان مطالبه اجرت المثل و نخله را پس از وقوع طلاق برشمرده بود. البته صدر تبصره ۶ ماده واحده که بیان می‌داشت: زوجه پس از وقوع طلاق با رعایت کلیه تشریفات لازم برای هر دعوی حقوقی باید اجرت المثل را مطالبه کند و با تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی دادگاه را موظف به تعیین

جلسه رسیدگی و احضار زوج جهت حضور در جلسه نماید و پس از صدور حکم و طی مراحل قطعیت یافتن آن، با صدور اجرائیه، نسبت به تامین اجرت المثل از اموال شوهر سابق خود اقدام کند، با تبصره ۲ ماده واحده که بیان می داشت: زوجه نیازمند انجام تشریفات فوق نبوده و دادگاه ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش، نسبت به اجرت المثل و نخله تصمیم می گیرد، در تعارض بود.

این دو تبصره توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده بود که سرانجام منجر به تصویب ماده واحده، استفساریه قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق شد که در تاریخ ۳/۶/۱۳۷۳ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. این استفساریه بیان می داشت: منظور از کلمه پس از طلاق در ابتدای تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۲۸/۸/۱۳۷۱ مجمع، پس از احراز عدم امکان سازش توسط دادگاه است. بنابراین طبق مواد مذکور در بند ۳ عمل خواهد شد. با توجه به ماده فوق الذکر، دادگاه ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش، اجرت المثل و نخله را تعیین و اجرای صیغه طلاق را منوط به پرداخت آن می نماید.

تا اینکه در سال ۱۳۸۵، یک تبصره به ماده ۳۳۶ قانون مدنی با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام الحاق شد و هدف جبران حقوق از دست رفته زنان بود و مطالبه اجرت المثل ایام زوجیت را برای زنان بدون درخواست طلاق ممکن کرد. با توجه به تبصره ماده ۳۳۶ ق م، همچنان شرایط تبصره ۶ ماده واحده سال ۷۱ که شرط تحقق اجرت المثل، طلاق به درخواست زوج بود، باقی ماند که سرانجام با تصویب قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱، ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب سال ۷۱ و استفساریه آن مصوب سال ۷۳ به صراحت ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده سال ۹۱ منسوخ شد، به جز بند ب تبصره ۶ ماده واحده سال ۷۱ در مورد نخله که به قوت خود باقی است. قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ بحث اجرت المثل عمل زوجه را به تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی ارجاع داد که زوجه در هر زمان، چه در زمان زوجیت چه در زمان طلاق و چه بعد از فوت شوهر می تواند بابت زحمات و کارهایی که در زندگی مشترک خود و در منزل شوهر انجام داده، اجرت مطالبه کند. البته به شرط اینکه اولاً قصد تبرع نداشته باشد و ثانیاً به دستور زوج آن اعمال را انجام دهد و آن اعمال وظیفه ی قانونی و شرعی وی نبوده باشد.

رای وحدت رویه شماره ۷۷۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به تاکید قانون گذار در صدر ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱/۱۲/۱۳۹۱ بر شروط ضمن عقد نکاح و مندرجات سند ازدواج، جمع شرط تنصیف دارایی که در ضمن عقد نکاح مقرر شده با اجرت المثل کارهای انجام گرفته توسط زوجه موضوع تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی (یا نخله بدل از آن) تنافی و تعارض ندارد، بنابراین، تعیین اجرت المثل کارهای زوجه از سوی دادگاه او را از حقوق استحقاقی ناشی از شرط تنصیف دارایی محروم نمی سازد و درچنین مواردی دادگاه باید علاوه بر تعیین اجرت المثل کارهایی که زوجه انجام داده، نسبت به حقوق او ناشی از آن شرط نیز رسیدگی و تعیین تکلیف نماید.

قانونگذار برای حمایت از زنی که نتوانسته اجرت المثل دریافت کند، نخله را قرار داده و پرداخت نخله و اجرت المثل در طول هم قرار دارند و این دو با هم جمع نمی شوند، از طرفی برای استحقاق زن به نخله باید شرایط مذکور در بند الف تبصره ۶ ماده واحده سال ۷۱ که منسوخ شده، وجود داشته باشد که به نظر نویسندگان جا دارد قانونگذار در این زمینه قوانین صریح و روشنی را تصویب کند و شرایط تحقق نخله را مشخص نماید.